

## تشریح رسول خدا

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سوال<sup>۱</sup>: از یکی از خطباء شنیدم که خداوند متعال نمازهای پنج گانه را در قرآن کریم نازل کرده است ولی این نمازها ده رکعت بوده اند اما رسول اکرم حضرت محمد ص هفت رکعت با آن افزوده است... آیا این کلام درست است؟ آیا دلیلی بر صحت آن در مصادر اهل سنت وجود دارد؟

پاسخ:

**أولاً:** در مصادر حدیث شیعی برخی از احادیث - که در میان آن ها صحیح السند نیز وجود دارد - بر این نکته دلالت دارند که رسول خدا ص برخی از امور را تشریح کرده است و خداوند متعال به او اجازه تشریح داده و تشریحات او را امضا نموده است و در مورد موضوع نماز به طور خاص روایتی داریم که طبق دیدگاه مشهور از لحاظ سندی معتبر است. این روایت خبر فضیل بن یسار است که در آن آمده است: «سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول لبعض أصحاب قيس الماصر: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهٖ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ، فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾، ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأُمَّةِ لَيْسَ وَسْوَاسَ عِبَادِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ

---

<sup>۱</sup> حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۱: سوال ۱۴۱.

فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴿١٣١﴾، وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ مَسَدِّدًا مَوْفِقًا مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ، لَا يَزِلُّ وَلَا يَخْطِئُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَسُوسُ بِهِ الْخَلْقَ، فَتَأَدَّبَ بِأَدَابِ اللَّهِ. ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ صَلَاةَ رَكْعَتَيْنِ، رَكْعَتَيْنِ، عَشْرَ رَكَعَاتٍ، فَأَضَافَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الرَّكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ، وَإِلَى الْمَغْرَبِ رَكْعَةً، فَصَارَتْ عَدِيلُ الْفَرِيضَةِ لَا يَجُوزُ تَرْكُهُنَّ إِلَّا فِي سَفَرٍ، وَأَفْرَدَ الرَّكْعَةَ فِي الْمَغْرَبِ فَتَرْكُهَا قَائِمَةٌ فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ، فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ، فَصَارَتْ الْفَرِيضَةُ سَبْعَ عَشْرَةَ رَكْعَةً، ثُمَّ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ النَّوَافِلَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ رَكْعَةً مِثْلِي الْفَرِيضَةِ، فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ، وَالْفَرِيضَةُ وَالنَّافِلَةُ إِحْدَى وَخَمْسُونَ رَكْعَةً، مِنْهَا رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْعَتَمَةِ جَالِسًا تَعَدُّ بَرَكَةً مَكَانَ الْوَتْرِ. وَفَرَضَ اللَّهُ فِي السَّنَةِ صَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَسَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَوْمَ شَعْبَانَ وَثَلَاثَ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ مِثْلِي الْفَرِيضَةِ، فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ. وَحَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْخَمْرَ بَعَيْنِهَا، وَحَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ الْمَسْكَرَ مِنْ كُلِّ شَرَابٍ، فَأَجَازَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ كُلَّهُ. وَعَافَ رَسُولُ اللَّهِ أَشْيَاءَ وَكَرِهَهَا وَلَمْ يَنْهَ عَنْهَا نَهْيَ حَرَامٍ إِنَّمَا نَهَى عَنْهَا نَهْيَ إِعَافَةٍ وَكَرَاهَةٍ، ثُمَّ رَخَّصَ فِيهَا، فَصَارَ الْأَخْذُ بِرِخْصِهِ وَاجِبًا عَلَى الْعِبَادِ كَوَجُوبِ مَا يَأْخُذُونَ بِنَهْيِهِ وَعَزَائِمِهِ، وَلَمْ يَرْخَّصْ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ فِيمَا نَهَاهُمْ عَنْهُ نَهْيَ حَرَامٍ وَلَا فِيمَا أَمَرَ بِهِ أَمْرَ فَرَضٍ لَازِمٍ، فَكَثِيرُ الْمَسْكَرِ مِنَ الْأَشْرَبَةِ نَهَاهُمْ عَنْهُ نَهْيَ حَرَامٍ لَمْ يَرْخَّصْ فِيهِ لِأَحَدٍ، وَلَمْ يَرْخَّصْ رَسُولُ اللَّهِ لِأَحَدٍ تَقْصِيرَ الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ ضَمَّهُمَا إِلَى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، بَلِ الْأَمْرُ بِذَلِكَ الْإِزْمَامُ وَاجِبًا، لَمْ يَرْخَّصْ لِأَحَدٍ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا لِلْمَسَافِرِ، وَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَرْخَّصَ [شَيْئًا] مَا لَمْ يَرْخَّصْهُ رَسُولُ اللَّهِ، فَوَافَقَ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَنَهْيُهُ نَهْيَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَوَجِبَ عَلَى الْعِبَادِ التَّسْلِيمَ لَهُ كَالْتَسْلِيمِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى» (كَلِينِي، الْكَافِي ١: ٢٦٦ - ٢٦٧؛ حَرَامِلِي، تَفْصِيلُ وَسَائِلِ الشَّيْخَةِ ٤: ٤٥؛ مَجْلِسِي، بَحَارُ الْأَنْوَارِ ١٧: ٤ - ٥؛ بَرُوجِرْدِي، جَامِعُ أَحَادِيثِ الشَّيْخَةِ ٤: ٨٧ - ٨٨؛ حَوِيزِي، تَفْسِيرُ نُورِ الثَّقَلَيْنِ ٥: ٢٨١ - ٢٨٢؛ شَيْخُ حَسَنِ، مَنَّاقِي الْجَمَانِ ١: ٣٧٦؛ بَحْرَانِي، غَايَةُ الْمَرَامِ ٥: ١٣١).

ثانياً: نزد اهل تسنن حدیثی در مورد نماز به طور خاص نیافتیم اما آن ها نیز از لحاظ قاعده ی کلی این مطلب را می پذیرند. چطور این موضوع را نپذیرند در حالی که خود آورده اند که برخی از تشریحات - مثل اذان - از سوی برخی از صحابه به ایشان الهام شده است و بعد از آن وحی در امضای آن نازل شده است (ر.ک: سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن ١: ١٢٧ - ١٢٩).

**ثالثاً:** حدیثی معارض با این حدیث که در بالا به آن اشاره شد، وجود دارد که تشریح تمام رکعات را الهی می‌داند. مثل این روایت: خبر علی بن الحسن بن علی بن فضال، عن أبیه، عن أبي الحسن الرضا علیه السلام، قال: «... إنَّ الله (تعالی) إنما فرض علی الناس فی الیوم والليلة سبع عشرة رکعة، من أتى بها لم یسألہ الله (عز وجل) عمّا سواها، وإنما أضاف رسول الله صلی الله علیه وآله وسلّم إليها مثلیها؛ لیتّم بالنوافل ما یقع فیها من النقصان، وإنَّ الله (عز وجل) لا یعذّب علی كثرة الصلاة والصوم، ولكنّه یعذب علی خلاف السنّة» (طوسی، الأمالی: ۶۴۹ - ۶۵۰؛ رک مثل این روایات در: الاحتجاج ۱: ۳۲۹؛ وفقه الرضا: ۹۹)، این روایت اضافات نبی را در نوافل منحصر می‌کند و هدفه رکعت فریضه را به خداوند متعال نسبت می‌دهد و این احادیث معارض از لحاظ سندی مخصوصاً به خاطر ارسال ضعیف هستند. سند این حدیث مشتمل بر محمد بن احمد بن محمد المکتّب است که وثاقت او ثابت نشده است.

**رابعاً:** مقصود از تمام این احادیث در نماز و غیر نماز (که از ده روایت فراتر است) این است که رسول خدا ص به مرتبه ای از کمال و ترقی روحی و عقلی رسیده است که می‌تواند مصالح و مفاسدی که نیاز به قانونگذاری دارند را تشخیص دهد. مصلحت هفت رکعت اضافی برای او آشکار شده و خداوند نیز این را برای او امضا می‌کند. معنای این سخن آن است که خداوند این حکم را تشریح می‌کرد اما روش تشریح گاهی از طریق وحی به پیامبر است و گاهی از طریق رشد روحی و عقلی اوست به گونه ای که می‌تواند تشریحاتی که خداوند متعال تشریح خواهد کرد را پیش بینی کند به همین دلیل به تشریح این موارد می‌پردازد و خداوند این کار را برای او امضاء می‌کند. این حدیث واضح است که قضیه در نهایت امر به امضای تشریحات نبوی توسط خداوند متعال منتهی می‌شود. بنابراین تشریح نبوی، تشریحی بدون امضای الهی نیست. تشریح نبوی یک تشریح پیشنهادی و مزاجی نیست چرا که خداوند متعال احکام را بی آن که مصالح و مفاسدی به بندگان در آن بوده یا به خاطر تعارفات ظاهری با پیامبر تشریح نمی‌کند

برای تقریب این مطلب می‌توان به عنوان یک مثال فرضی به نظام قانونی فعلی در جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. تمام تشریحات و قوانین در نهایت مشروعیت خود را از رهبر انقلاب می‌گیرند. رهبر انقلاب گاهی خود قانون یا تصمیم مستقیمی را صادر می‌کند و گاهی این موضوع را به مجلس شورای اسلامی یا ... واگذار می‌کند تا قانونگذاری کند و در حالت دوم رهبر انقلاب این قانون را امضا می‌کند آن جا که با آن ابراز مخالفت نمی‌کند بنابراین قانون را گاهی خود رهبر جعل می‌کند و گاهی دیگری آن را جعل کرده و او امضاء می‌کند. روش دوم به معنای اعطای جایگاه نمادین و واقعی برای جهات قانونگذار است.

**خامساً:** برخی از علمای امامیه معتقدند اهل بیت نیز حتی بعد از رحلت رسول خدا ص دارای حق تشریح هستند. برای اثبات این امر به مجموعه ای از روایات استناد جسته اند که اکثر این روایات به عنوان روایات «تفویض دین» شناخته می شوند. شیخ کلینی (۳۲۹ هـ) برخی از این روایات را در کتاب کافی آورده است. در کتاب متواضع خود (حجیة السنّة فی الفکر الإسلامی، قراءة وتقویم: ۵۱۷-۵۶۹)، این موضوع را - یعنی تشریح نبوی و تشریح ائمه - به طور کامل مورد مطالعه قرار داده ام و به این نتیجه رسیده ام که حق تشریح به معنایی که ذکر شد فقط برای پیامبر اکرم ثابت است و برای صحابه یا اهل بیت یا دیگران بعد از رحلت رسول اعظم ثابت نیست و تعداد خوبی از روایات نیز این دیدگاه را تأیید می کنند.

علمای دیگری نیز با این دیدگاه بنده هم عقیده هستند. علمایی از جمله: سید محمد باقر صدر، و محقق اصفهانی رازی، شیخ یوسف صانعی، شیخ محمد جواد مغنیه، سید مرتضی و شیخ حسن جواهری و سید محمد رضا گلپایگانی و دیگران.

**سادساً:** در سؤال این چنین آمده است که خداوند متعال در قرآن کریم پنج نماز را تشریح کرده است در حالی که این موضوع محل جدل و اختلاف است. در کدام آیه ی شریفه نمازهای پنجگانه ای که امروز می شناسیم تشریح شده است؟ برخی از افراد که با عنوان «قرآنیون» شناخته می شوند سعی کرده اند این موضوع را مطرح سازند. اما اثبات آن آسان نیست. آری، اصل تشریح نماز در قرآن کریم آمده است همانطور که برخی از اوقات آن نیز در قرآن کریم تشریح شده است در این آیه: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ (الإسراء: ۷۸)، اما اثبات تشریح قرآنی برای نمازهای پنجگانه روزانه امر آسانی نیست و اثبات آن از طریق سنت شریفه عملی و گفتاری به نحو متواتر محقق شده است.